

نویسنده: محمد حسن سوایدن «M.H.Sweiden».



منبع و تاریخ نشر: کریدل «2023-06-08».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» . [101]

برنامه آمریکا برای مقابله با چین و ایران در غرب آسیا

The US plan to counter China and Iran in West Asia

ایالات متحده نفوذ چین و سلطه ایران در غرب آسیا را به رسمیت می شناسد، اما واکنش های کند و بی اثر آن نه تنها توانایی واشنگتن را برای متعادل کردن تغییر به سمت شرق مختل می کند، بلکه به اعتبار رو به زوال آن به عنوان یک شریک مورد اعتماد نیز آسیب می رساند.

The US recognizes China's influence and Iran's dominance in West Asia, but its sluggish and ineffective responses not only hamper Washington's ability to counterbalance the eastward shift but also inflicts damage on its dwindling reputation as a trusted partner.



اعتبار عکس: کریدل

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی ایالات متحده، در سخنرانی اصلی خود در 4 مه در سمیناری که توسط مرکز مطالعات خاور نزدیک در آمریکا سازماندهی شد، راهبرد واشنگتن در قبال منطقه غرب آسیا را روشن کرد.

سالیوان تاکید کرد که نیروی محرکه سیاست خارجی ایالات متحده در آینده قابل پیش بینی، همانطور که توسط رئیس جمهور **جو بایدن** بیان شد، رقابت شدیدی برای نفوذ جهانی در میان قدرت‌های بین‌المللی است - رقابتی که مسیر سیاست خارجی ایالات متحده را برای دهه‌های آینده شکل خواهد داد.

در صحنه بین‌المللی، ایالات متحده **چین** را به عنوان رقیب استراتژیک اصلی خود می‌شناسد یا این حال، در زمینه یادرموضوع غرب آسیا، ایالات متحده مدعی است که ایران برجسته‌ترین تهدید برای منافع اش در منطقه است.

به هر حال، ایران استراتژی «نگاه به شرق» خود را دارد که شامل تقویت روابط در زمینه‌های مختلف با روسیه و چین است. در میان این ارتباط عمیق در سراسر اوراسیا، منطقه به سرعت در حال تبدیل شدن به مرکزی برای ابتکارات اقتصادی و ژئوپلیتیکی حیاتی است و فشار فزاینده‌ای را بر واشنگتن حذف شده از حزب وارد می‌کند. بنابراین، ایالات متحده دقیقاً چگونه به این چالش چند وجهی در غرب آسیا پاسخ خواهد داد؟

رویکرد استراتژیک پنج نقطه‌ای

سالیوان در طول سخنرانی خود رویکرد استراتژیک ایالات متحده در قبال غرب آسیا را ترسیم کرد و پنج نکته کلیدی را برجسته کرد. **اول**، ایجاد مشارکت برای تقویت همکاری واشنگتن با کشورهای منطقه و تقویت روابط نزدیکتر است.

اما چرا این نیاز زمانی است که ایالات متحده از قبل روابط قوی در منطقه دارد؟ همانطور که در گزارش نهایی کنفرانس امنیتی مونیخ که در فوریه برگزار شد، تاکید شده است:

«ایالات متحده و اروپا باید در رویکردهای خود برای همکاری توسعه با کشورهای جنوب جهانی تجدید نظر کنند. آنها باید مدل‌های توسعه خود را جذاب‌تر کنند، زیرا چین مدل جایگزینی را بر اساس روایتی از همبستگی و منافع متقابل ارائه می‌کند.»

دوم، اهمیت تضمین بازدارندگی، تاکید بر لزوم بازدارندگی از تهدیدها و حفاظت از منافع ایالات متحده است. **سوم**، اولویت دادن به گزینه‌های دیپلماتیک و کاهش تنش با تمرکز اصلی مقابله با پکن است. **چهارمین** نکته **سالیوان** به یکپارچگی منطقه‌ای مربوط می‌شود و بیشتر مربوط به این مقاله است.»

خاورمیا نه یکپارچه تر و مرتبطتر [آسیای غربی] به متحدان و شرکای ما قدرت می بخشد، صلح و رفاه منطقه‌ای را پیش می‌برد و تقاضای منابع از ایالات متحده را در این منطقه در درازمدت کاهش می‌دهد بدون اینکه منافع اساسی ما یا دخالت ما در این منطقه قربانی شود. منطقه ”.

پنجمین و آخرین نکته حول تعهد اجباری و در عین حال انتخابی به ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر می‌چرخد.

این پنج نکته نشان دهنده علاقه و اشتیاق به تنظیم مجدد استراتژی‌های غرب آسیا برای همسویی با چالش‌های جهانی است - نه فقط ظهور رقبای اصلی، بلکه به همان اندازه، فروپاشی نظم تحت رهبری ایالات متحده. نمونه با رزپس از درگیری اوکراین، مقاومت گسترده جنوب جهانی برای مشارکت در تحریم‌های غرب علیه مسکو بود.

هنگامی که این اتفاق افتاد، زنگ خطر در سراسر اقیانوس اطلس به صدا درآمد. این کشورها نه تنها تقاضای تحریم را رد کردند، بلکه برای تقویت روابط مربوطه خود با چین و روسیه حرکت کردند و اهداف متنوعی را دنبال کردند و در عین حال از رقابت فزاینده بین واشنگتن، پکن و مسکو بهره بردند.

مختل کردن BRI چین با I2U2 آمریکایی

فوریت برای مقابله با رقبای خود در غرب آسیا منجر به یک طرح زیرساختی به رهبری ایالات متحده شده است که هدف آن ایجاد شبکه راه آهن برای اتصال کشورهای عربی (بدون عبور از ایران) و اتصال کشورهای خلیج فارس به بنادر هند است.

مفهوم این پروژه پرماجرا در ابتدای مذاکراتی در انجمن «I2U2» در سال گذشته معرفی شد که شامل ایالات متحده، اسرائیل، امارات متحده عربی و هند بود که تمرکز آنها پروژه‌های زیرساختی استراتژیک در غرب آسیا بود. یکی از پیشنهادات قابل توجه اسرائیل در این نشست ایجاد راه آهن برای اتصال منطقه بود.

از زمان تأسیس آن در سال 2021، هدف این مجمع تقویت جایگاه هند در غرب آسیا به عنوان وزنه تعادلی در برابر چین و همچنین ترویج عادی سازی اقتصادی بین کشورهای عربی و اسرائیل بوده است.

اگر هدف واشنگتن از گنجاندن هند در برنامه‌های کلان خود باشد تا طرح‌های غرب آسیای چین را به هم بزند، ممکن است در اولین مانع شکست خورده باشد. هند یک شریک اصلی در کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال جنوب (INSTC) به همراه ایران و روسیه است، پروژه‌ای که در حال حاضر عملیاتی است، به گسترش خود ادامه می‌دهد و به

راحتی با طرح چند تریلیون دلاری کمربند و جاده چین (BRI) هم افزایی دارد. که به دنبال اتصال کل قاره ها است.

West Asian and African states who have joined the BRI

Country	Year
Iraq	2015
Turkiye	2015
Egypt	2016
Lebanon	2017
Morocco	2017
Yemen	2017
Algeria	2018
Bahrain	2018
Djibouti	2018
Oman	2018
Kuwait	2018
Qatar	2018
Libya	2018
Saudi Arabia	2018
Tunisia	2018
UAE	2018
Iran	2021
Syria	2021

Source: greenfdc.org

The Cradle

نموداری که نشان می دهد چه زمانی کشورهای غرب آسیا و آفریقا به طرح کمربند و جاده پیوستند

در اوایل ماه مه، **سالیوان** از ریاض بازدید کرد و در آنجا با **محمد بن سلمان**، ولیعهد عربستان سعودی (MBS)، مشاور امنیت ملی امارات متحده عربی، **تهنون بن زاید آل نهیان**، و مشاور امنیت ملی هند، **آجیت دووال**، دیدار کرد.

این گفتگوها با هدف پیشبرد هدف مشترک ایجاد منطقه ای امن تر، مرفه و مرتبط تر، با تمرکز ویژه بر پروژه اتصال ریلی غرب آسیا و مشارکت هند در آن انجام شد. واشنگتن متوجه شده است که برای مقابله موثر با چین، باید به کشورهای منطقه انگیزه

های اقتصادی رقابتی ارائه دهد و همکاری بر اساس منافع متقابل، نه دیکته های آمریکا، ارائه دهد. اگرچه این یک اولویت فوری سیاست خارجی است، اما ایالات متحده همچنین آگاه است که با توجه به پیشتازی قابل توجه پکن با ابتکار کمربند و جاده، که غرب آسیا در آن نقشی حیاتی دارد، زمان به سود او نیست.

بنابراین، برای مقابله با نفوذ چین، واشنگتن پروژه موازی را در منطقه پیشنهاد می کند، پروژه های که شامل ارتباط با دیگر نیروگاه اقتصادی آسیایی که قادر به اجرای آن است، یعنی هندوستان، است. اما آیا این در کل درست است؟ مسلماً چین بهترین زیرساخت را در خارج از جهان توسعه یافته دارد، در حالی که هند هنوز با شبکه های حمل و نقل داخلی اغلب بسیار ناامن دست و پنجه نرم می کند. نکته مهم این است که دهلی نواز برخی از مهمترین توافقنامه های تجاری آسیا مانند توافقنامه جامع و مترقی برای مشارکت ترانس پاسیفیک (TPP) به رهبری غرب و مشارکت اقتصادی جامع منطقه ای به رهبری چین (RCEP) مستثنی است.

در نتیجه، ایالات متحده با شکست در جلوگیری از جهش کشورهای منطقه بر روی باند واگن پکن، با تأخیر شروع به دست زدن به پروژه های نیمه کاره رقیب برای جلب علاقه آنها کرده است.

مقاومت راه آهن ایران:

اما هزارپیچیدگی زیرساخت های قاره چین تنها مانع نفوذ منطقه ای واشنگتن نیست. در حوزه رقابت غرب آسیا، پروژه پیشنهادی ایالات متحده نیز خود را در برابر تلاش های زیرساختی دیرینه ایران می بیند. ایرانی ها مجدانه تلاش کرده اند تا بندر امام خمینی در خلیج فارس واقع در استان خوزستان ایران را به عراق، **گذرگاه البوکمال** در مرز سوریه و در نهایت به **بندر لانقیه** در دریای مدیترانه متصل کنند.

پروژه بلند پروازانه تهران در صورت تحقق، توجه کشورهای مختلف منطقه را به خود جلب خواهد کرد و عربستان سعودی به دلیل منافع اقتصادی قابل توجه و نزدیک شدن اخیر با میانجی گری چین، در راس آن قرار دارد.

برای مقابله با پروژه ای که ایران را در خلیج فارس به دریای مدیترانه که چهار کشور استراتژیک غرب آسیا را طی می کند، متصل می کند، واشنگتن نیاز به ارائه یک ابتکار موازی داشت که این پتانسیل را داشت که کشورهای منطقه متحد را از طریق یک مسیر جایگزین متصل کند.

اگرچه اسرائیل در نشست ریاض برای بحث در مورد این پروژه نماینده ای نداشت، اما در اصل پیشنهاد اسرائیل بود و عادی سازی با پادشاهی همچنان یک هدف ضمنی و

در عین حال روشن است. ارتباط اقتصادی بین کشورها هزینه‌های تنش‌ها را افزایش می‌دهد و توسعه روابط را برای حفاظت از منافع اقتصادی مشترک تشویق می‌کند. منابع آمریکایی همچنین تأیید کرده‌اند که غیبت اسرائیل از این پروژه به معنای حذف آن در آینده نیست.

در نهایت، هدف این پروژه جلوگیری از تبدیل شدن ایران به پیروزی‌های نظامی خود به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی است که رشد کشورها و نهادهای محور مقاومت را تقویت می‌کند. پروژه اتصال راه آهن ایران، عراق و سوریه گامی در جهت اتصال کشورهای متحد و همسویی با آرمان‌های اقتصادی آنها است. به این ترتیب، برای واشنگتن، اجرای پروژه‌هایی که اتکای اقتصادی منطقه را فراتر از حوزه نفوذ آن کاهش می‌دهند، و در نتیجه از تحکیم وابستگی اقتصادی جلوگیری می‌کند، ضروری است.

ایالات متحده آمریکا غیر قابل اعتماد :

تجربیات گذشته نشان می‌دهد که اتکا به همکاری با پروژه‌هایی که توسط واشنگتن پیشنهاد یا حمایت می‌شود معمولاً بی‌فایده است. مثال‌ها بسیار زیاد است: علیرغم امضای شراکت ترانس پاسیفیک (TPP) در سال 2016 - یک توافق تجاری پیشنهادی بین ایالات متحده و 11 کشور دیگر حاشیه اقیانوس آرام - ایالات متحده در ژانویه 2017 از این قرارداد خارج شد و آن را تصویب نکرد.

به طور مشابه، مذاکرات در مورد تجارت و مشارکت سرمایه‌گذاری ترانس آتلانتیک (TTIP) بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا که در سال 2013 آغاز شد، حل نشده باقی مانده است.

اخیراً، اگرچه ایالات متحده طرحی را برای انتقال گاز مصر و برق اردن، از طریق سوریه، به لبنان با کمبود انرژی پیشنهاد کرده است، واشنگتن به بزرگترین مانع این پروژه تبدیل شده است و همچنان از تصویب معافیت‌های تحریمی لازم برای شروع جریان خودداری می‌کند.

ایالات متحده نه تنها از پروژه‌های اقتصادی عقب نشینی می‌کند، بلکه از ابتکاراتی که دیگر منافع ژئوپلیتیکی آن را تأمین نمی‌کند، چشم‌پوشی می‌کند. به عنوان مثال، علیرغم پرداخت 1.4 میلیارد دلاری توسط ترکیه برای خرید جت‌های جنگنده F-35، واشنگتن تحویل آنرا به نسبت خرید موشک‌های S-400 که ترکیه از روسیه خریدار کرده متوقف ساخت - بدون اینکه هیچ‌گونه غرامتی برای پرداخت‌ها ارائه کند. تناقضات ایالات متحده در حوزه اقتصاد و تجارت بی‌توجه نموده است و یک تمایز اساسی بین پکن و واشنگتن را برجسته می‌کند: در حالی که اولی بر اساس اصل همکاری

برای منافع متقابل عمل می‌کند، دومی «درس‌هایی» در مورد غیرقابل اعتماد بودن وفای به وعده‌ها می‌دهد . .

این کاهش اعتماد به ایالات متحده بر شهرت دیپلماتیک این کشور نیز تأثیر گذاشته است . پس از دهه‌ها سیاست یکجانبه خود در مورد مسئله اسرائیل و فلسطین، نظرسنجی انجام شده توسط YouGov در ماه مه نشان داد که اکثر فلسطینی‌ها طرفدار میانجیگری روسیه و چین در مذاکرات احتمالی با اسرائیل هستند، در حالی که 60 درصد از پاسخ‌دهندگان نیز گفتند که به این موضوع اعتماد ندارند . آمریکا در درگیری با کشور اشغالگر میانجیگری می‌کند .

همکاری بر تسلیم شدن غلبه می‌کند

بدون شک، چین با پیشبرد ابتکارات اقتصادی جهانی خود بر اساس منافع و منفعت متقابل، به طرز ماهرانه‌ای بر آمریکا غلبه کرده است . با انجام این کار، چین به عنوان یک مانع بزرگ در برابر نفوذ غرب در سرتاسر جهان ظاهر شده است و الگوی غربی «اهداکنده - گیرنده» را با اصل خود «نفع متقابل» به چالش می‌کشد .

کشورهای غرب آسیا به طور فزاینده‌ای چین را به عنوان یک شریک اقتصادی قوی می‌بینند . به موازات آن، پکن به طور چشمگیری نمایه دیپلماتیک خود را در منطقه افزایش داده است و به موفقیت قابل توجهی در میانجیگری اخیر خود در توافق آشتی عربستان و ایران دست یافته است .

با توجه به اینکه دوران تک قطبی به سرعت در حال افول است - و «زمان تمام شده» - بعید است که ایالات متحده بتواند به اندازه کافی شیوه کار و عادات ریشه‌دار سیاست خارجی خود را تغییر دهد تا خواسته‌های رو به رشد دولت‌هایی را که مشتاق پیشبرد منافع خود هستند، برآورده کند . مطمئناً بدون ارائه مشوق‌های قانع‌کننده، سرمایه‌گذاری مالی هنگفت، و دنباله روی مستحکم نیست . به احتمال زیاد، غرب آسیا به شراکت با کشورهای ادغام خواهد داد که می‌توانند این کار را انجام دهند و منافع ملی خود را مختل نکنند .

----- **با تقدیم احترامات «2023-06-11»**